حیات‌نامه فکری و سیاسی علامه محمدتقی مصباح یزدی
از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی(۱۳۵۷-۱۳۱۳) – ۵

آغاز زندگی طلبگی در اوج فقر

دکتر سهراب مقدمی شهیدانی

فصل اول: تولد و تحصیلات

خانواده فقیر و مذهبی

آیت‌الله محمدتقی[1] مصباح[2] یزدی، فرزند محمدباقر گیوه‌چی یزدی و بی‌بی زمزم، در ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۱۳ شمسی برابر با ۲۵ شوال ۱۳۵۳ هجری قمری، مقارن با سالروز شهادت امام صادق(ع)، در شهر یزد به دنیا آمد.[3] مادر ایشان قبل از تولد او، بشارت یافته بود که فرزندش حامی قرآن خواهد شد.

علامه مصباح این واقعه را چنین بازگو می‌کند: «شنیده‌ام زمانی که مرحوم والده‌ام مرا باردار بودند، شاید قریب وضع‌حمل‌شان خوابی دیده بودند که موجب تعجب‌شان شده بود و به یکی از معبّرین شهر، مرحوم «آقا سید محمدرضای میبدی» به ایشان مراجعه کرده بودند و خواب‌شان را گفته بودند. خواب دیده بودند وضع حمل کرده‌اند، منتهی بچه‌ای که متولد شده قرآن است. به ایشان گفته بودند که خدا به شما پسری می‌دهد که حامی قرآن و مُبیّن علوم قرآن است.»[4] زندگی خانواده او در منزل میراثیِ مادری و با سختی بسیار، می‌گذشت.

مادر با کمک خاله‌ها، در خانه جوراب می‌بافت و پدر جوراب‌ها را در مغازه می‌فروخت. شغل بسیار کم‌درآمد پدر موجب می‌شد که او هر از چندی مبلغی قرض بگیرد تا به کسب و کارش سامانِ دوباره دهد.

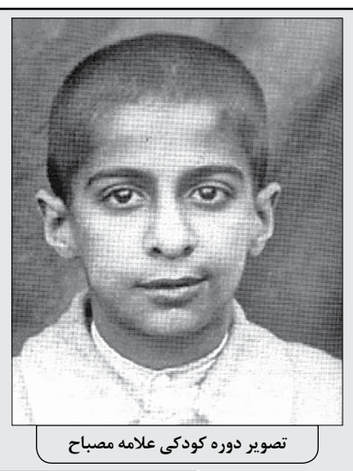
تصویر دوره کودکی علامه مصباح

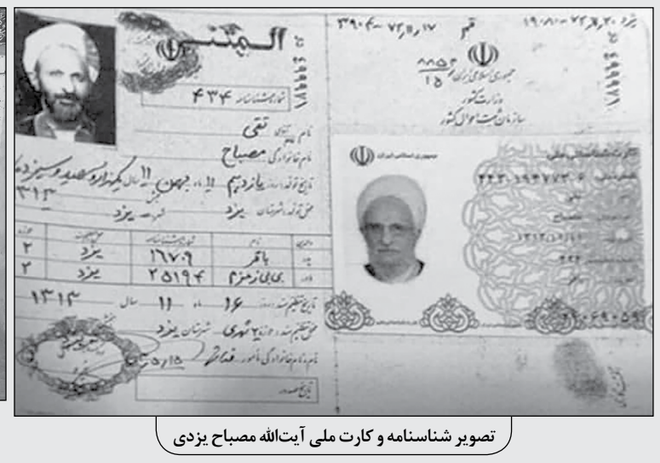
تصویر شناسنامه و کارت ملی آیت‌الله مصباح یزدی

به گفته آیت‌الله مصباح، با وجود همه سختی‌ها، این خانواده مذهبی و شیفته اهل بیت(ع)، در دوران خفقان رضاخانی -که برپا کردن مراسم عزاداری مطلقاً ممنوع بود- شب‌های محرم در زیرزمین منزل، مجلس توسل و عزاداری برقرار می‌کردند و شب‌های جمعه دعای کمیل و ذکر حدیث و صبح هر جمعه نیز دعای ندبه برگزار می‌شد. به طوری که پدر دعای ندبه را حفظ شده بود و آن را از بر می‌خواند.[5]

در حدود ۱۱-۱۰ سالگی، یکی از بستگان ایشان به نام مرحوم «آقا شیخ احمد آخوندی» - که ساکن نجف بود و موقتاً برای کاری به یزد آمده بود- او را برای تحصیل دروس طلبگی و یادگیری علوم اسلامی تشویق کرد. آیت‌الله مصباح تحت تأثیر سخنان آن روحانی قرار گرفت و بعد از اتمام کلاس ششم بلافاصله مشغول درس طلبگی شد.

دوران مدرسه

علی‌رغم وضعیت معیشتی دشوار خانواده و با آن‌که در آن دوران، برخی خانواده‌ها فرزندان را از ادامه تحصیل منع می‌کردند و در اولین فرصت آنان را جهت کمک به درآمد خانواده وارد بازار کار می‌کردند، پدرش او را به مدرسه فرستاد. او هم فرصت تحصیل را مغتنم شمرد و همه‌ساله در امتحانات پایانی، شاگرد ممتاز مدرسه شناخته می‌شد. همین امر موجب محبوبیت او نزد مدیر و معلمان مدرسه گردید و آنان وی را تشویق می‌کردند که با ادامه این شیوه درس خواندن، در آینده به یکی از مخترعان و مکتشفان و دانشمندان برجسته کشور تبدیل شود.

اما در حدود ۱۰-۱۱ سالگی، یکی از بستگان ایشان به نام مرحوم «آقا شیخ احمد آخوندی»[6] - که ساکن نجف بود و موقتاً برای کاری به یزد آمده بود - او را برای تحصیل دروس طلبگی و یادگیری علوم اسلامی، تشویق کرد.[7] آیت‌الله مصباح تحت تأثیر سخنان آن روحانی قرار گرفت و بعد از اتمام کلاس ششم بلافاصله مشغول درس طلبگی شد.

ورود به حوزه

آیت‌الله مصباح بعد از آن‌که در امتحانات آخر سال، شاگرد اول شد، علی‌رغم اصرار و تشویق اولیای مدرسه برای ادامه تحصیلات جدید، به دلیل علاقه‌ای که به حوزه و علوم دینی در او به وجود آمده بود، در تابستان سال ۱۳۲۶ شمسی رسماً مشغول تحصیل معارف دینی و فراگیری علوم حوزوی شد.[8] آن‌گونه که خود روایت کرده، در آن روزها تشکیلات آموزشی حوزه وضع نابسامانی داشت؛ نه استاد منظمی بود، و نه در مدرسه وضع به سامانی وجود داشت. طلبگی خیلی وضع نامطلوبی داشت. مدارس علمیه مخروبه شده بود و بسیاری از مدارس حوزه به صورت انبارهایی برای کاسب‌های اطراف درآمده بود.

به روایت ایشان علاوه بر تبدیل حجره‌ها به انباری کسبه، در بعضی مدارس و حجرات، برخی از فقرا ساکن شده بودند و مدارس یک مسکنی برای مستمندان شده بود.[9] آیت‌الله مصباح در دوران مقدمات در مدرسه شفیعیه حجره داشت. قدمت این مدرسه به دوران صفویه بازمی‌گردد و در خیابان قیام، ضلع شمال غربی میدان خان یزد واقع شده است.

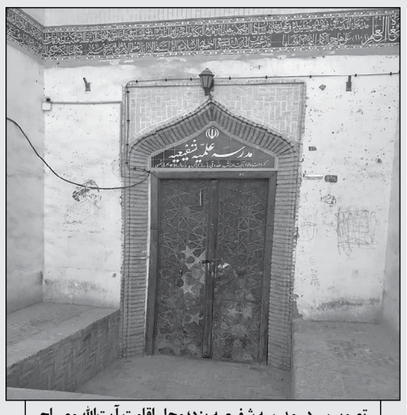
تصویر سردر مدرسه شفیعیه یزد؛ محل اقامت آیت‌الله مصباح در دوران تحصیل مقدمات حوزه علمیه

پانوشت‌ها:

۱- نام ایشان در شناسنامه «تقی مصباح» درج شده است.

۲- آقای غلامرضا بیات -که از سال ۱۳۶۱ و در اوج ترورهای ناجوانمردانه شخصیت‌های انقلابی و روحانی مانند شهید مطهری، شهید مفتح، شهید بهشتی و... از طرف سپاه به عنوان محافظ شخصی آیت‌الله مصباح مشغول به کار بود- در مورد تغییر فامیلی ایشان چنین می‌گوید: «چند وقت پیش که به مناسبت فوت عموی حاج آقا به یزد رفته بودیم، ایشان در جمعی دوستانه با یکی از هم‌دوره‌های خویش به نام حاج آقا دعایی صحبت می‌کردند. حاج آقای دعایی تعریف می‌کرد که به ایشان گفتم: کارتان با نام خانوادگی‌تان «گیوه‌چی» مناسبت ندارد، لذا آن را تغییر دهید. حاج آقا به ایشان می‌گویند که قبول است، شما یک نام خانوادگی مناسب برای من انتخاب کنید. حاج آقا دعایی می‌گفت: چند روز به دنبال اسم مناسب بودم تا در عالم خواب دیدم که در حال مطالعه به این حدیث رسیدم «إنّ الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة». شخص بزرگواری را در عالم خواب دیدم و سؤال کردم که آیا لقب «مصباح الهدی» برای دوست من مناسب است؟ آن بزرگوار تأیید کرد و بدین ترتیب نام خانوادگی حاج آقا در همان اوایل تحصیل در یزد از «گیوه‌چی» به «مصباح» تغییر یافت.» حقیقت شرق، صص ۲۱-۲۲. (مرحوم سیداحمد دعایی از دوستان نزدیک مرحوم علامه مصباح بود.)

۳- «آشنایی با استاد: زندگینامه»، پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، http://mesbahyazdi.ir. - گفتنی است طبق فرموده آیت‌الله مصباح یزدی، پدرشان تاریخ تولد قمری ایشان را در پشت قرآن، ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۵۳ هجری قمری ثبت کرده است. ر.ک: ذوالشهادتین امام، ص۱۵. همچنین: زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص۱۹. اگر این تاریخ دقیق باشد، بر اساس محاسبات تبدیل تاریخ قمری به شمسی، تولد ایشان ۹ تیرماه ۱۳۱۳ خواهد بود.

۴- ذوالشهادتین امام، ص۱۵. همچنین: زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص۲۰. در زندگینامه‌ای که از آیت‌الله مصباح در پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان ثبت شده، نام آن شخص معبّر «سید محمدرضا امامیه» ذکر شده است. ر.ک: «آشنایی با استاد: زندگینامه»، پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، http://mesbahyazdi.ir.

۵- ر.ک: زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص۱۹.

۶- ایشان پسرعموی مادربزرگ استاد مصباح بودند. علی مصباح - پسر ارشد آیت‌الله مصباح - در رابطه با ایشان می‌گوید: «پدر حاج آقا جوراب بافی داشتند. آنها با آقای آخوندی، صاحب چاپخانه دارالکتب الاسلامیه نسبت فامیلی داشتند یک روز پدر همین آقای آخوندی که در نجف تشریف داشتند، به یزد آمده بودند. در جریان ملاقاتی که بین ایشان و پدر حاج آقا رخ می‌دهد، سفارش می‌کنند که آقازاده‌تان را بگذارید تا درس طلبگی بخواند. پدر حاج آقا هم درخواست ایشان را می‌پذیرد سپس با حاج آقا هم صحبت می‌کنند و ایشان با کمال میل قبول می‌کند و بعد از ششم ابتدایی مشغول دروس حوزوی می‌شود.» ر.ک: حقیقت شرق، ص۲۲.

۷- شیخ احمد گفت: «بچه‌ای که به این خوبی نماز می‌خواند و به این خوبی درس می‌خواند چه بجا و مناسب است که طلبه و عالم دینی بشود» ر.ک: زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص۲۱.

۸- برخلاف خود آیت‌الله مصباح، دو پسر ایشان (علی مصباح، متولد ۱۳۳۹ش و مجتبی مصباح، ۱۳۴۶ش) پس از اتمام ابتدایی وارد حوزه نشدند چون آقای مصباح مخالف بود. آقای علی مصباح می‌گوید: «حاج آقا هیچ‌گاه نه تنها ما را تشویق به طلبه شدن نکردند، بلکه سرعت ما را هم کم کردند. من وقتی که پنجم ابتدایی را خواندم گفتم که می‌خواهم طلبه شوم. حاج آقا گفت: هنوز زود است، تا سوم راهنمایی را زورکی خواندم و وارد حوزه شدم. آقا مجتبی هم تازه سوم راهنمایی را تمام کرده بود که می‌خواست طلبه شود، اما حاج آقا گفتند: دیپلمت را بگیر و بعد وارد حوزه شو. حاج آقا تا دیپلم درس خواند و سپس وارد حوزه شد.» ر.ک: حقیقت شرق، ص۹۴.

۹- زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، صص ۲۱-۲۲؛ ذوالشهادتین امام، ص۱۷.

خاطرات رفاقت چهل‌ساله حجت‌الاسلام والمسلمین علی شیرازی با حاج قاسم سلیمانی – ۱۷

فتح خاکریز دشمن با چند پرس چلوکباب!

سعید علامیان

۵- مرد کارهای سخت

با حاج‌قاسم درباره خاطراتش از مقام معظم رهبری صحبت می‌کردیم. می‌دانست چند سالی است مشغول تألیف کتاب مجموعه‌خاطرات افراد از مقام معظم رهبری هستم.

آن روز فرصتی دست داد چند خاطره هم از او برای این کتاب بگیرم. یکی از این خاطرات، مربوط به زمانی بود که حاج‌قاسم در سیستان و بلوچستان، درگیر مقابله با اشرار مسلح بود. یکی از سرکرده‌های اشرار، شخصی به اسم «عیدمحمد بامری» - معروف به «عیدوک» - بود.

حاج‌قاسم گفت: با ترفندی، عیدوک را دستگیر کردیم. رفتم خدمت آقا تا این خبر مهم را به ایشان بدهم. آقا خوشحال شدند. بعد فرمودند «چطور او را گرفتید؟» گفتم «با او قرار گذاشتیم و سر قرار دستگیرش کردیم.» آقا فرمودند «یعنی به او امان دادید؛ بعد دستگیرش کردید؟ همین الان بروید او را آزاد کنید.» عرض کردم «آقا، آزادش کنیم؟» فرمودند «بله. شما به او تأمین داده‌اید، آمده. اسلام، اجازه چنین کاری نمی‌دهد.»

از همان‌جا مستقیم رفتم زندان. به عیدوک گفتم «مقام معظم رهبری، حکم به آزادی‌ات دادند برو. آزادی!» باور نمی‌کرد.

گفت «من از زندان بیرون نمی‌روم!» وقتی فهمید خبر درست است، از مریدان آقا شد و همکاری مؤثری با ما کرد.

وقتی جنگ تمام شد به سردار سلیمانی مأموریت داده شد برای برخورد با اشرار مسلح جنوب شرق کشور، وارد عمل شود. آنها امنیت و آرامش را از استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان گرفته بودند. حاج‌قاسم، نیروهای لشکر ثارالله را به آنجا برد.

ناامنی در جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان به جایی رسیده بود که سرکرده‌های اشرار و قاچاقچیان مسلح، امثال همین عیدوک، با خیال راحت در روستاها و کوهستان‌های منطقه، کارگاه‌های بسته‌بندی مواد مخدر راه انداخته بودند؛ حتی چند نفر گروگان در شهرهای شیراز و کرمان نگهداری می‌کردند!

فرماندهی و مدیریت حاج‌قاسم، امنیت را به آن منطقه برگرداند. او برای این کار، از تجربه دوران جنگ استفاده کرد. شاید بیشتر از هزار کیلومتر کانال کشید و خاکریز زد. با ایجاد خط پدافندی توانست مرزهای شرقی را کنترل کند.

حاج‌قاسم که ریشه قاچاق مواد مخدر و شرارت را وضع معیشت و بیکاری جوان‌ها و مردم منطقه می‌دانست، همزمان با عملیات مقتدرانه نظامی، وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی را هم پای کار آورد. ۳۰۰ حلقه چاه در منطقه حفر، و صدها هکتار زمین برای کشاورزی تسطیح شد. از مردم خواست آموزش کشاورزی ببینند و با کمک جهاد سازندگی کشاورزی کنند.

حاج‌قاسم، اهل رایزنی و گفت‌وگو بود. در این‌جا هم با بزرگان طایفه‌هایی که بیشترین افراد مسلح را داشتند، نشست‌های متعدد برگزار کرد و به آنها به شرط همکاری قول تأمین داد.

خیلی از سران اشرار که قاطعیت قاسم سلیمانی و استقبال بیشتر مردم را دیدند، سلاح‌ها را تحویل دادند و امان‌نامه گرفتند.

حاج‌قاسم به هرچه گفته بود، عمل کرد. حتی به کسانی امان‌نامه داد که هیچ‌کس باور نمی‌کرد. او به اشرار تسلیم‌شده فرصت داد از خانواده‌های صدمه‌دیده از شرارت آنها رضایت‌نامه بیاورند؛ در غیر این صورت بپذیرند که دستگاه قضایی برای آنان تصمیم بگیرد.

در همان سال‌ها و پس از آن، چند مجتمع کشاورزی را در جیرفت و جاهای دیگر از نزدیک دیدم. جوان‌هایی که روزی سلاح بر دوش داشتند و مواد مخدر جابه‌جا می‌کردند، به کشاورزانی کارآزموده تبدیل شده بودند و درآمدهای زیادی هم داشتند.

حاج‌قاسم، از همان دوران دفاع مقدس، اهل ابتکار بود. در سال ۱۳۶۴، لشکر ثارالله در یکی از محورها، مقابل یگانی از عراقی‌ها قرار گرفت که فقط به‌اندازه یک خاکریز با هم فاصله داشتند. قاسم سلیمانی می‌خواست آن خط را از عراقی‌ها بگیرد. حاج‌قاسم مقید بود توی خط، بهترین غذا را به بچه‌های رزمنده بدهد.

آن روز به تدارکات دستور می‌دهد ظهر برای بچه‌های خط، کباب درست کنند. می‌گوید چند کیلو دنبه هم بیاورند.

دستور می‌دهد پشت همان خاکریز آتش درست کنند و ضمن پختن کباب، دنبه‌ها را توی آتش بیندازند! بوی کباب و دنبه، همه خط را پر می‌کند. به تدارکات می‌گوید به هر رزمنده، یک پرس چلوکباب با نوشابه قوطی بدهید. وقتی بچه‌ها مشغول نوش جان کردن این غذای خوشمزه می‌شوند، حاج‌قاسم به آنها می‌گوید قوطی‌های خالی نوشابه‌تان را پشت خاکریز عراقی‌ها بیندازید!

بوی کباب... یک سرباز عراقی را از خود بیخود می‌کند؛ با زیرپیراهن و بدون سلاح، خود را به پشت خاکریز می‌رساند... حاج‌قاسم می‌گوید برایش یک پرس چلوکباب با یک نوشابه خنک بیاورید. بعد از این‌که سرباز عراقی غذایش را می‌خورد، حاج‌قاسم دستور می‌دهد او را آزاد کنند... پس از چند دقیقه می‌بینند همان سرباز عراقی، حدود ۲۰ عراقی دیگر را دنبال خودش راه انداخته، به طرف خط لشکر ثارالله می‌آیند... آنها می‌گویند دیگر نمی‌خواهند به خاکریزشان برگردند، و پناهنده می‌شوند! آن روز حاج‌قاسم با چندصد پرس چلوکباب و نوشابه خنک، بدون خون‌ریزی و شلیک حتی یک تیر، خاکریز عراق در آن محور را فتح می‌کند!

مدتی نمی‌گذرد که بوی کباب و انبوه قوطی‌های خالی نوشابه، یک سرباز عراقی را از خود بیخود می‌کند؛ با زیرپیراهن و بدون سلاح، خود را به پشت خاکریز می‌رساند.

بچه‌ها، او را پیش حاج‌قاسم می‌برند. حاج‌قاسم می‌گوید برایش یک پرس چلوکباب با یک نوشابه خنک بیاورید. بعد از این‌که سرباز عراقی، غذایش را می‌خورد، حاج‌قاسم دستور می‌دهد او را آزاد کنند.

سرباز عراقی تا رسیدن به پشت خاکریزِ خودشان، متعجب و ناباور، هر چند قدم یک بار نگاهی به پشت سرش می‌کند و می‌بیند خبری از گلوله نیست. پس از چند دقیقه می‌بینند همان سرباز عراقی، حدود ۲۰ عراقی دیگر را دنبال خودش راه انداخته، به طرف خط لشکر ثارالله می‌آیند. حاج‌قاسم دستور می‌دهد سریع برایشان چلوکباب و نوشابه آماده کنند.

آنها می‌گویند دیگر نمی‌خواهند به خاکریزشان برگردند، و پناهنده می‌شوند! آن روز حاج‌قاسم با چندصد پرس چلوکباب و نوشابه خنک، بدون خون‌ریزی و شلیک حتی یک تیر، خاکریز عراق در آن محور را فتح می‌کند!

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ - ۳۳۱۱۸۰۵۲ - ۳۳۱۱۲۱۹۳ - ۳۳۱۱۳۵۱۹ - ۳۳۹۱۱۵۶۸ - ۳۳۱۱۲۲۹۱ - ۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۹۲۳۶ - ۳۳۱۱۳۰۸۵ - ۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۲۱۹۵ - ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ - شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ - اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ - چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ - شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ - مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ - شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳ - کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ - دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک
املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۷۶۵۰۹۹۸۱ و ۰۹۱۲۱۷۷۹۴۸۵

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۳۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو
تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ - ۰۹۱۲۲۲۹۷۵۷۰

کشتیرانی آداک مارین
بسته‌بندی، کشتیرانی و حمل و نقل بین‌المللی
انواع خدمات بسته‌بندی شامل:
بسته بندی لوازم منزل و مبلمان، پیانو، ماشین‌آلات، کالاهای تجاری و موادغذای کالاهای نمایشگاهی، آثار هنری، اشیاء موزه‌ای، تابلوهای برق و تجهیزات، لوازم منزل دیپلماتهای سفارتخانه‌ها
بسته‌بندی و حمل بار به صورت خرده‌بار و فول جهت صادرات به: کانادا، آمریکا، اروپا اقیانوسیه، آفریقا و آسیا
www.adakmarine.ir – info@adakmarine.ir
۰۹۱۲۰۸۳۲۸۰۱
۰۲۱-۸۸۹۴۹۸۶۰-۶۵

بنایی و خدمات ساختمانی
اجرا نما رومی سیمانکاری
آب صاف و شسته
۰۹۱۲۶۳۴۵۸۲۸
۰۹۱۲۶۷۰۹۹۷۴
تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴
پیمانکاری ساختمانی اسکندری
انجام کلیه امور نقاشی ساختمان و تعمیرات ارزان فوری عالی
۰۹۱۲۳۶۴۷۹۱۶

خرید و فروش لوازم منزل
پخش انواع کولر گازی (اسپیلت)
لباسشویی- ظرفشویی- یخچال- تلویزیون (با گارانتی معتبر) به قیمت بانه
۵۵۳۲۳۵۲۹
احمدی ۰۹۱۲۷۶۴۶۹۸۰

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

آگهی‌های مفقودی
برگ سبز خودرو تندر ۹۰ سفید به ش پلاک ۴۹۵ ب ۱۵- ایران ۴۴ و ش شاسی ۲۱۱۵۴۳ و ش موتور ۲۰۳۶۴۴ بنام امید رفیعی مفقود و اعتبار ندارد.
شناسنامه مالکیت سایپا به شماره انتظامی ۱۵۳ د ۳۵ ایران ۵۰ به شماره شاسی ۱۳۸ ۵۷۵۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
برگ سبز و سند کمپانی و کارت خودرو سواری ریو ال.اس ۱۵۰۰ مدل ۱۳۸۶ رنگ مشکی متالیک، شماره پلاک ۵۸۱ ب ۹۶ ایران ۸۵ به شماره موتور ۱۰۲۸۰۸۱ وشاسی NAS۶۱۰۰۲۲۷۱۱۲۹۹۲۰ بنام لیلا ریکی جلالی کد ملی ۰۰۶۸۸۸۷۶۹۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی می‌پذیرد

سند کمپانی کامیون کمپرسی آمیکو N۶H(۴۰۲) به شماره انتظامی ۸۴۳ ع ۹۵ ایران ۶۳ مدل ۸۶ موتور ۰۰۹۱۲۸۷۹ شاسی NA۲B۲JMD۴۷A۰۰۲۰۹۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
برگ سبز خودرو دنا مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید- روغنی به شماره شهربانی ۲۶۵ ط ۳۲ ایران ۲۰ و شماره موتور ۱۴۷H۰۴۱۶۹۵۹ و شماره شاسی NAAW۲۱HUVJE۱۲۱۱۳۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
اینجانب لیلا قانع مالک سواری پژو ۲۰۶ آریان ۱/۴ به شماره انتظامی ۴۶۸ ج ۲۶ ایران ۹۳ موتور ۱۴۱۸۷۰۰۱۹۶۹ شاسی NAAP۳۱EG۷۸J۲۰۰۴۴۹ به علت مفقودی سند کمپانی تقاضای رونوشت المثنی نموده‌ام چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضی مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. ضمنا مدارک مفقود شده، فاقد اعتبار است. مدت اعتبار این آگهی یکسال است.

سند کمپانی ام.وی.ام ۱۱۰ به شماره انتظامی ۸۳۳ ج ۴۱ ایران ۶۳ مدل ۸۴ موتور MVM۳۷۲FG۵۰۰۱۰۳۱ شاسی IR۸۴۲۱۱۰۰۱۰۵۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
برگ سبز سواری پژو ۴۰۵GLX- XU۷ مدل ۱۳۹۸ به رنگ نقره‌ای متالیک، شماره پلاک ۲۲۶ ب ۱۳ ایران ۸۵ و شماره موتور ۱۲۴K۱۳۹۶۵۸۴ و شاسی NAAM۰۱CE۶KK۲۴۸۰۰۸ به نام ناصر حسینی کد ملی ۳۶۲۰۱۷۲۰۲۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

توضیح و تصحیح
در آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت اول تعاونی مسکن مهر ۱۴ رباط‌کریم درج شده در روزنامه کیهان مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۶ در صفحه ۶ در دستور جلسه، اعمال ماده ۶۱ اساسنامه مسکن مهر تبصره ۴ ماده ۱۰ آیین‌نامه صحیح است که اشتباها تبصره ۴۵ درج شده بود که بدینوسیله اصلاح می‌گردد.

«آگهی مزایده»
اداره آموزش و پرورش رودهن در نظر دارد ۳ کلاس از مدرسه قدیمی روستای جورد و مغازه شماره ۵ خیابان شهید مطهری را از طریق مزایده شرکت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به اجاره واگذار نماید. از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید پس از کسب اطلاعات لازم با تسلیم مدارک و مستندات حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ انتشار آگهی با واحد حقوقی مستقر در اداره هماهنگ نمایند.
شماره تلفن: ۷۶۵۱۲۲۰۲

آگهی مزایده عمومی فروش مال غیرمنقول
شرکت آسکوتک هلدینگ (شعبه ایران) به شماره ثبت ۲۰۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۷۲۶۲ ، در نظر دارد ششدانگ یک قطعه زمین جزء پلاک ثبتی ۳۷ فرعی از ۲۴ اصلی بخش ثبتی ۵ شهرستان شوشتر استان خوزستان واقع در استان خوزستان، شهرستان شوشتر، جنب شرکت کشت و صنعت کارون را یکجا از طریق مزایده و با قیمت برآوردی مستند به نظریه کارشناسان رسمی دادگستری به مبلغ ۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی (ششصد میلیارد ریال) به بالاترین قیمت پیشنهادی به فروش رساند.
متقاضیان می توانند به منظور بازدید از محل زمین موضوع این مزایده و در صورت تمایل دریافت فرم های مزایده با آقای ناصر عابدین (۰۹۱۲۲۵۸۹۶۸۵) تماس بگیرند. متقاضیان تا ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی مهلت دارند تا نسبت به ارایه پیشنهادات خود در پاکت درب بسته به همراه یک فقره چک بانکی به میزان پنج درصد قیمت برآوردی تحویل شرکت نموده و رسید دریافت نمایند. این چک به عنوان ضمانت شرکت در مزایده می باشد که در پایان مزایده و مشخص شدن برنده طبق روال قانونی به افراد مسترد خواهد شد.
۱ -شرح وضعیت زمین مورد مزایده ضمیمه فرم شرکت در مزایده می باشد.
۲ -کلیه اشخاص حقیقی و یا حقوقی بنحوی که از نظر قوانین و مقررات محدودیتی ندارند می توانند در مزایده فوق به صورت برابر و مساوی با سایرین شرکت نمایند.
۳ - شرکت در رد و یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار بوده و اگر قیمت پیشنهادی برنده کمتر از قیمت برآوردی باشد تصویب و اعلام برنده منوط به تجدید برگزاری مزایده است.

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۱

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱ بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱ با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۱۸/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰	۴/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۶۳/۰۰۰/۰۰۰	۳۱/۵۰۰/۰۰۰	۱۵/۷۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۶۳/۰۰۰/۰۰۰	۳۱/۵۰۰/۰۰۰	۱۵/۷۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۱۰/۹۲۰/۰۰۰	۵/۴۶۰/۰۰۰	۲/۷۳۰/۰۰۰
مجله زن روز	۱۰/۹۲۰/۰۰۰	۵/۴۶۰/۰۰۰	۲/۷۳۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۴/۴۱۰/۰۰۰	۲/۲۰۵/۰۰۰	۱/۱۰۳/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۹۶۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- **در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.**
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره ۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸ با ذکر مشخصات در کانال تلگرام قرار داده به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس: .....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید